



سلوک سوزوکی‌ها

به روایت مسعود ده نمکی نویسنده و کارگردان فیلم اخراجی‌ها

همیشه برای همه ما داستان کسانی که در جبهه و خط مقدم حضور داشتند، جور دیگری نمایش داده شده بود اما مسعود ده نمکی در اخراجی‌ها ماجرا را طور دیگر به تصویر کشید و نام اخراجی‌ها را ماندگار کرد. ده نمکی درباره قهرمانان این فیلم خود می‌گوید: «مجید سوزوکی و اخراجی‌ها اقتباسی بودند از شخصیت‌هایی که در گردان سلمان لشکر حضرت رسول (ص) بودند. این شخصیت‌ها به خاطر خود من در آن دسته به بهار ۱۳۶۷ مربوط می‌شود. آدم‌های نامتجانس با جنگ که به خاطر شلوغ کاری‌هایی که داشتند، صحبت از اخراج آنها بود. آن سال‌ها چون مسئول دفتر آنها بودم در موردشان با مسئولان صحبت کردم و قرار شد آنها در گردان سلمان لشکر حضرت رسول (ص) بمانند، به شرط ایجاد تغییر و دگرگونی، در غیر این صورت باید به تهران بازمی‌گشتند. در مدتی که ما کنار هم بودیم به خاطر اتفاق‌هایی که رخ داد این دودسته شهید شدند و آن اتفاق‌ها دستمایه فیلم اخراجی‌ها شد.»

او ادامه می‌دهد: «همه آدم‌ها در مسیر تغییر و تحول قرار دارند، آدم‌ها براساس یک تلنگری به خودشان می‌آیند، در عالم عرفان به چنین چیزی جذب می‌گویند. در واقع به نوعی همه آنها که دچار این تحول شده‌اند، آدم مکملی را داشته‌اند که کنارشان باشد و کمک حالشان. اگر مطالعه کنیم نظیر این اتفاق‌ها را بسیار خواهیم دید. الان سرزمین ما شاید جنگ مستقیمی نداشته باشد که امثال مجید سوزوکی‌ها دچار این سلوک و بازگشت شوند، اما هستند آنهایی که در شرایطی دچار این بازگشت می‌شوند.»

مجید سوزوکی واقعی را می‌شناسید؟

فیلم سینمایی «اخراجی‌ها» داستان جوانان شور جنوب شهر تهران است که با رفتن به جبهه، مسیر زندگی‌شان عوض می‌شود. شخصیت اول این فیلم، «مجید سوزوکی» بود که نقش آن را کامبیز دیرباز ایفا کرد. اخراجی‌ها داستانی واقعی بود که ده نمکی براساس مشاهدات خودش در جبهه، مقابل دوربین برد و نام واقعی قهرمان داستان مجید خدمت از جوانان محله اتابک تهران بود که هفتم تیرماه ۱۳۶۷ در سن ۲۶ سالگی در ارتفاعات شاخ شمیران (واقع در غرب ایلام) به شهادت رسید.



نگاهی به چند فیلم و نمایش متفاوت از دوران دفاع مقدس

آدای دین هنرهای نمایشی به تحول لوطی‌ها

نسل امروز با نسل دهه‌های ۶۰ و ۷۰ کاملاً متفاوت است و این تفاوت می‌طلبد تا در شیوه انتقال آرمان‌های انقلاب و دفاع مقدس با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز، هنرمندان بازنگری کنیم. رهبر معظم انقلاب در رهنمودها ایشان فرمودند «هر اندیشه‌ای در قالب هنر ننگند ماندنی نیست» و اینجاست که زبان هنر بهترین و مؤثرترین شیوه در جهت همگرایی نسل جدید است. شرایط امروز جامعه می‌طلبد برای تبیین نقش جبهه، مسجد و محافل مذهبی و هم‌نشینی با خوبان در تحول روحی آدم‌ها، آثار نمایشی بیشتر و بهتری ساخته شود. در ادامه نگاهی داریم به ۴ فیلم و نمایشی که با موضوع حضور آدم‌های لوطی و متفاوت در جبهه ساخته شدند.

اخراجی‌ها

واقعیت این است تا وقتی که فیلم سینمایی «اخراجی‌ها» روی پرده نمایش نرفته بود، خیلی از ما فکرش را هم نمی‌کردیم در جبهه آدم‌های متفاوتی مثل مجید سوزوکی‌ها حضور داشته باشند. اگر هم کسی خبر داشت، جرأت نمی‌کرد حرفی به میان بیاورد. این فیلم در سال ۱۳۸۵ به کارگردانی و نویسندگی مسعود ده نمکی و تهیه‌کنندگی حبیب‌الله کاسه‌ساز ساخته شد. مجید سوزوکی، جوانی خلافکار با انگیزه به‌دست آوردن دل پدر دختر مورد علاقه‌اش با جمعی از اراذل محل که به خاطر لوطی‌گری و مرام با او همراه شده‌اند به جبهه می‌رود.



لیلی با من است

«لیلی با من است» نخستین فیلم دفاع مقدس است که با چاشنی طنز ساخته شد و از سوی منتقدان تقریباً بهترین فیلم طنز ایرانی با موضوع جنگ محسوب می‌شود. دور شدن از نگاه کلیشه‌ای به جنگ و آدم‌های آن، بارزترین نقطه تمایز این فیلم نسبت به آثار دیگر دفاع مقدس است که کمال تبریزی در مقام تدوین‌گر، نویسنده و کارگردان آن را سال ۱۳۷۴ ساخت و در چهاردهمین جشنواره فیلم فجر خوش درخشید. صادق مشکینی، فیلمبردار تلویزیون که بسیار از جنگ و خط مقدم جنگ می‌ترسد، برای اینکه بتواند از صندوق تلویزیون وام بگیرد تا خانه نیمه‌ساخته‌اش را تکمیل کند ناخواسته به خط مقدم می‌رسد.



نابرده رنج

مجموعه تلویزیونی «نابرده رنج» به‌عنوان نخستین تجربه سریال‌سازی علیرضا بذرافشان در سال ۱۳۹۰ به‌گفته منتقدان بی‌شابهت به اخراجی‌ها نبود. اما کارگردان معتقد بود که این دو کار هیچ ارتباطی با هم نداشتند و فیلمش جنگ بین خیر و شر را نشان می‌دهد. سریال در مورد جوانی به نام اسد است که دستی در قاچاق کالا دارد و برای به‌دست آوردن گنج پدری راهی جبهه می‌شود و در نهایت به گنج ماندگار دیگری می‌رسد.

ضدگلوله

از دیگر آثار نمایشی که حضور آدم‌های متفاوت و خلافکار در جبهه را با تلفیقی از سینمای جنگ و کمدی به نمایش در آورده، فیلم ضدگلوله است که به کارگردانی و نویسندگی مصطفی کیایی و تهیه‌کنندگی رضا رخشان در سال ۱۳۹۰ ساخته شد. در روزهای جنگ تحمیلی مرد مسنی که مشغول قاچاق نوارهای لس‌آنجلسی و فیلم‌های ویدئویی بوده و در اثر یک اتفاق درمی‌یابد که توموری در سر دارد و تا ۲ ماه دیگر بیشتر زنده نخواهد ماند، تصمیم می‌گیرد به جنگ برود.

